فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت

شماره ۲۶،
دوره ششم،
سال ششم،
تابستان ۱۴۰۱
صص ۱-۱۳

بررسی اثر سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر شیراز

عالیه تورجی پور[۱]، عبادالله احمدی[۲]

چکیده

هدف پژوهش حاضر تأثیر سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در شهر شیراز بود. جامعه‌آماری این پژوهش شامل والدین بی‌سواد و فرزندان آن‌ها در مقطع ابتدایی ناحیه ٤ شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد و به ۵۰ نفر از والدین بی‌سواد در مدرسه دکتر حسابی در ناحیه ٤ شهر شیراز که برای شرکت در جلسات آموزش سوادآموزی اعلام آمادگی کرده بودند، بین فرزندان آن‌ها پرسشنامه اعتماد به نفس تفردی (۲۰۱۲) توزیع شد. ۳۰ نفر از والدین که فرزندانشان در پرسشنامه اعتماد به نفس نمره کم‌تری داشتند و به عنوان حجم نمونه انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزماش و کنترل (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) گمارده شدند و بعد از آموزش سوادآموزی والدین، پرسشنامه اعتماد به نفس بر روی فرزندانشان اجرا شد و داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش مؤلفه‌های اعتماد به نفس (ارزشمندی و شایستگی) تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است.

کلیدواژه‌ها: سوادآموزی، اعتماد به نفس، دانش‌آموزان، مقطع ابتدایی، شیراز.

[۱] کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

[۲] گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

مقدمه

لازمه تربیت نیروی خلاق و نوآور، توجه به مهارت‌های فردی و تقویت روحیه خودباوری است، خودباوری زمانی میسر خواهد بود که از همان دوران کودکی به دنبال تقویت اعتماد به نفس در بین دانش‌آموزان باشیم. بنا به مطالعات انجام شده می‌توان گفت عدم توجه به نیازهای روحی و روانی دانش‌آموزان، سرزنش‌های مداوم توسط خانواده و مدرسه و همچنین وجود باور مقایسه پنداری بین دانش‌آموزان از مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده اعتماد به نفس در بین دانش‌آموزان می‌باشد. از سوی دیگر، تشویق دانش‌آموزان به هنگام موفقیت، ایجاد ارتباط عاطفی بین کودک و معلم، فراهم کردن محیط مفرح در مدرسه و خانواده و همچنین توجه به خلاقیت‌های فردی از عوامل تقویت‌کننده اعتماد به نفس در دانش‌آموزان می‌باشد (سلاجقه و شریفی رستم آبادی، ۱۳۹۹). بی‌تردید اعتماد به نفس یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه‌های شخصیت و تعیین‌کننده‌ی ویژگی‌های رفتاری افراد است. توجه به این امر، به ویژه در مورد کودکان و نیز کسانی که به آن‌ها آموزش می‌دهند، از اهمیت خاصی برخوردار است (کراس، اورث و رابینز[1]، ۲۰۲۰). بارون و برن[2] (۲۰۰۰؛ به نقل از بحرانی، ۱۳۸۹) معتقدند که اعتماد به نفس در تشکیل طرح‌واره مربوط به خود و بر تصمیم‌گیری‌های فرد در بیشتر موفقیت‌های اجتماعی تأثیر دارد. کوپر اسمیت[3] نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کودکان برخوردار از اعتماد به نفس بالا، افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره‌گیری از استقلال، استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می‌پردازند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی‌گیرند (بیابانگرد، ۱۳۹۱). اعتماد به نفس بنیادی‌ترین بخش شخصیت انسان است که بر تمام جوانب زندگی فرد نفوذ دارد. برخوردار بودن از اعتماد به نفس سالم و بالا یک نیاز ضروری است. در موارد بسیار متعددی مشاهده و گزارش شده، دانش‌آموزانی که از اعتماد به نفس ضعیفی برخوردارند، پیشرفت تحصیلی خوبی ندارند. نداشتن اعتماد به نفس باعث می‌شود دانش‌آموزان در کلاس درس گوشه‌گیر باشند و در بازی‌ها و فعالیت‌های گروهی شرکت نکنند و نتوانند به اهداف آموزشی دست پیدا کنند، از این رو توجه کافی مربیان و معلمان به موضوع اعتماد به نفس دانش‌آموزان اهمیت زیادی دارد (صادقی ارمی، ۱٤۰۰).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند روی اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد، سوادآموزی والدین است. اگر دانش‌آموزان در محیط خانواده احساس پشت‌گرمی نمایند و مطمئن باشند که اولیای آن‌ها کمک می‌کنند، با دلگرمی بیشتری درس می‌خوانند و دچار عقب‌ماندگی تحصیلی نخواهند شد. اعتماد به نفس دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها افرادی آگاه و با سواد بوده‌اند، بیشتر می‌باشد. دانش‌آموزی که والدین خود را مشغول مطالعه می‌بیند آن‌ها را به عنوان بهترین الگوی همانندسازی تحصیلی انتخاب می‌کند؛ بنابراین کمک و راهنمایی فرزندان توسط والدین امری است ضروری و نمی‌توان کار آموزش را تنها به مدرسه محول ساخت و از نقش خانواده در این زمینه غافل شد. دانش‌آموزان اوقات زیادی را در منزل می‌گذرانند و تحت تأثیر رفتار والدین هستند (حمزه لو و غیبی، ۱۳۹٤). در این میان بی‌سوادی والدین یکی از پارامترهایی است که می‌تواند در افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان مؤثر باشد،

[1] Krauss, Orth & Robins
[2] -Baron & Brn
[3]- Cooper Smit

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

زیرا عدم توانایی والدین جهت کمک به فرزندان در امر تحصیل و نبودن پشتیبان در جهت راهنمایی فرزندان، می تواند سبب سردرگمی دانش‌آموز و ایجاد اضطراب در او گردد. همین عدم اطمینان در مورد آن چه که دانش‌آموز انجام می‌دهد و نبود راهنما در منزل سبب می‌شود تا دانش‌آموز با یقین و اطمینان کامل نتواند به پیش ببرد (افشاری، ۱۳۹۵). همچنین سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بی‌کاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت افت پیدا می‌کند. در حقیقت در برخی از این خانواده‌ها، سواد مقوله‌ی بیگانه‌ای است. همگام با رشد فناوری در زمینه‌های گوناگون، آموزش و یادگیری نیز تحت تأثیر فن آموزی‌های جدید قرار می‌گیرند و روز به روز به کمک آن‌ها متحول می‌شوند. در عصر حاضر، آموزش به عنوان حقوق اولیه انسان‌ها، عامل تغییر و پیشرفت اجتماعی شناخته شده است. بسیاری از روان‌شناسان تربیتی معتقدند که شرایط یادگیری باید چنان سازمان‌دهی شود که هر یادگیرنده بر اساس توانایی‌های خود به فعالیت و یادگیری بپردازد (حمیدانی و قاسم پور، ۱۳۹۹). وانگ[1] (۲۰۰۵) سواد خواندن را معیاری مناسب برای سنجش پیشرفت آموزشی و تخمین بهبود آن می‌داند. این سازمان اشاره می‌کند که رابطه‌ای قوی بین سطح سواد خواندن و پیشرفت در جوامع وجود دارد. خواندن، پیش‌نیازی برای موفقیت عملکرد در زمینه‌های مدرسه‌ای به شمار می‌رود. تحقیقات درباره خواندن روی عوامل شناختی و اجتماعی مرتبط با خواندن مانند آگاهی واج شناختی و زمینه اقتصادی اجتماعی کودک تمرکز کرده‌اند.

تعلیم و تربیت، اساس نظام فکری یک جامعه است. هدف تعلیم و تربیت، تربیت انسان مهذب است و همه برنامه‌ریزی و فعالیت‌های برنامه ریزان و معلمان باید برای تحقق این هدف سازمان‌دهی شود تا از این طریق بتوانیم صلح و صفا و سعادت را برای همیشه به جامعه به وجود آورند. در واقع اهمیت مبارزه با بی‌سوادی بر کسی پوشیده نیست و کم و بیش تمام کشورهای جهان و به خصوص جوامع در حال توسعه، از دیرباز به اهمیت این امر پی برده‌اند. لذا با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای این مسئله می‌باشد که آیا سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که آموزش و پرورش علاوه بر آموزش علوم و فنون و مواد درسی به دانش‌آموزان، وظیفه‌ی سنگین پرورش همه‌جانبه‌ی مهارت‌های زندگی به آنان را نیز بر عهده دارد و استفاده از تجارب معلمان در این زمینه بایسته و ضروری می‌نماید. از جمله مواردی که جامعه‌ی آموزشی و پرورشی کشور بر عهده دارند، پرورش اعتماد به نفس و تقویت روحیه‌ی خودباوری در میان دانش‌آموزان است. چرا که ضعف نفس، وادادگی خود و وابستگی به دیگران اساس شخصیت انسان و به‌ویژه نسل دانش‌آموزی را از هم فرو می‌پاشد و عزت‌نفس وی را خدشه‌دار می‌کند. از آنجا که پیشرفت هر فردی، وابسته به خودباوری و درک توانایی‌ها و

[1] Wang

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

داشته‌هایش می‌باشد و جامعه نیز از خودباوری فرد فرد اعضایش به پیشرفت و تعالی معنوی، اجتماعی و اقتصادی و ... می‌رسد، پیشرفت و تعالی جامعه آن را از دنیای بیگانه بی‌نیاز می‌کند (بیگدلو و میرزایی، ۱۳۹۵). اعتماد به نفس در چگونگی کیفیت اعمال و رفتار افراد در تمامی مراحل زندگی نقش بسزایی دارد. ضعف اعتماد به نفس یکی از متداول‌ترین اختلالات روان‌شناختی در میان زنان و مردان جامعه و یکی از علائم شایع بیماری‌های روانی است. ضعفی که روی همه جنبه‌های زندگی تأثیر منفی به جا می‌گذارد و نه تنها باعث اختلال در رابطه ما به خود می‌شود بلکه باعث صدمات شدیدی در ارتباطات بین ما و خانواده، فرزندان، والدین، همکاران و دوستان می‌گردد (نینوایی، ۱۳۹۰). فورنهام و چنج[1] (۲۰۰۲) طبق یافته‌هایشان در خصوص اعتماد به نفس بیان کردند فقدان اعتماد عمومی (اعتماد به نفس پایین و اعتماد به نفس ضعیف) منبع اصلی تنهایی فردی است در حالی که فقدان اعتماد در تعاملات اجتماعی منبع اصلی هر دو جنبه فردی و اجتماعی احساس تنهایی است.

از طرفی سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است. بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بیکاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد. معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت افت پیدا می‌کند. در حقیقت در برخی از این خانواده‌ها، سواد مقوله‌ی بیگانه‌ای است. تأثیر عمیقی که این موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پایین، بر روی افراد خانواده و جامعه برجا می‌گذارد، موجب بی‌نظمی و آشفتگی روانی می‌گردد، البته این آشفتگی روانی را در طبقات مختلف جامعه می‌توان دید. شیوه‌های انحرافی ایجاد علائم روانی بیماری اقدام به خودکشی بستری شدن قطع ارتباط با واقعیت، در طبقات پایین اجتماع، بیشتر دیده می‌شود (سالابس[2]، ۲۰۰۸).

شخص باسواد امکان سلامت اقتصادی و تصمیم‌گیری بیشتری دارد و چنین انسانی نسبت به خود و فکر و فرهنگ جامعه بصیرت بیشتری دارد. سواد و تحصیلات، از دیدگاه اقتصادی، افراد را به‌سوی رشد و توسعه‌ی درون‌زاد و خلاق و هماهنگ با اجتماع و کشور هدایت می‌کند و از دیدگاه تخصصی، جامعه را موفق می‌سازد، افراد بزرگسال به عنوان عامل اساسی تولید، حتی با یک اصطلاح اقتصادی خاص که همان جمعیت فعال یا نیروی کار می‌باشد، مشخص می‌شوند. با توجه به آمار موجود، گسترش سواد کاهش رشد جمعیت و همچنین توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت دانش و ... را تسهیل نموده است (پیتسچر[3]، ۲۰۰۹).

در مطالعات متعدد تأثیر سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان بررسی شده است. برای مثال در خارج از کشور، ریجبی، سلی و مارتین[4] (۲۰۱٤) پژوهشی تحت عنوان «ارتباط بین میزان سواد با عزت نفس و

[1]- Furnham. A, Cheng
[2] Salabas
[3] Petscher
[4] Rigby, Slee, Martin

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

روابط اجتماعی» انجام دادند. نمونه شامل ۲۶۰ نفر از زنان مراجعه کننده به انجمن دیابت آمریکا بود. اجرای کار به صورت فردی بوده، پس از نمونه‌گیری، با افراد منتخب تماس گرفته شده و توضیحات لازم در مورد پژوهش به آن‌ها داده شده و در صورت تمایل آن‌ها به شرکت در تحقیق، پرسشنامه‌ها به آدرس محل سکونت آن‌ها ارسال شد. نتایج نشان داد که بین میزان سواد با عزت نفس ارتباط مثبتی وجود دارد. بین میزان سواد با روابط اجتماعی ارتباط مثبت وجود دارد. تیرنیری[1] (۲۰۱٤) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سواد والدین و رابطه‌ی والد- فرزندی با عزت نفس» انجام دادند. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان و والدین آن‌ها کلمبوس بود و تعداد نمونه این پژوهش ۳٤۰ نفر است. نتایج نشان داد که بین سواد والدین و عزت نفس دانش‌آموزان رابطه مثبتی داشته است. نتایج همچنین نشان داد که رابطه‌ی والد- فرزندی با عزت نفس دانش‌آموزان رابطه مثبتی داشته است. توبیس[2] (۲۰۱۵)، پژوهشی تحت عنوان «تأثیر سواد والدین بر خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، عزت نفس دانش‌آموزان» انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش ٤۳۰ دانش‌آموزان و والدین آن‌ها دختر و پسر در اندونزی بود که به عنوان نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان دادند که سواد والدین با خودکارآمدی رابطه مثبت دارد. بین سواد والدین با حمایت اجتماعی رابطه مثبت دارد و سواد والدین با عزت نفس رابطه مثبت دارد. پیورس، کریوس، دانیلس و استونس[3] (۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر میزان سواد والدین بر انگیزه تحصیلی و اعتماد به نفس فرزندانشان» انجام دادند. این پژوهش بر روی ٤٦۰ دانش‌آموز و والدین آن‌ها در شهر اکران انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین میزان سواد والدین و انگیزه تحصیلی فرزندانشان رابطه معناداری دارد و همچنین بین میزان سواد والدین و اعتماد به نفس فرزندانشان رابطه معناداری دارد. هویوی، ویتر و استیدان[4] (۲۰۱۵) مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در شش کشور کانادا، آلمان، ایتالیا، نروژ و سوئد انجام دادند و عواملی مانند منابع آموزشی در خانه، خودپنداره خواندن دانش‌آموزان، فعالیت‌های اولیه سواد خواندن در خانه و نگرش والدین به خواندن را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه همبستگی زیاد بین منابع آموزشی خانواده، فعالیت‌های سواد خواندن و نگرش والدین به خواندن وجود داشت. اسوالاندر و تاب[5] (۲۰۱٦) در پژوهشی که به بررسی نقش متغیرهای خودپنداره خواندن، نگرش خواندن و زمینه ها خانوادگی بر توانایی خواندن دانش‌آموزان پرداختند نشان دادند که خودپنداره خواندن، نگرش خواندن و وضعیت خانوادگی رابطه معنادار بر توانایی خواندن دانش‌آموزان دارند. میلیرو[6] و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «نگرش به خواندن، اعتماد به نفس خواندن، مشارکت خانواده و درک مطلب در کلاس دوم» نشان دادند که نگرش بسیار مثبت نسبت به خواندن و نوشتن و همچنین احساس شایستگی بالا یافت شد. دختران نمرات بالاتری نسبت به پسران کسب کردند. احساس شایستگی و مشارکت خانواده با درک مطلب همبستگی معنی‌داری نشان داد. گسک[7] و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل خانوادگی و فردی بر اعتماد به نفس دانش‌آموزان پایه چهارم در سواد خواندن» انجام دادند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که به‌طور کلی، اعتماد به نفس دانش‌آموزان کلاس چهارم در سواد خواندن در صورتی بالاتر است که از خانواده‌ای باشند که رایانه یا تبلت

[1] Tierney
[2] Tobias
[3] Powers, Cruse, Daniels & Stevens
[4] Howie, Veter, Stedan
[5] Swalander & Taube
[6] Melero
[7] Geske

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

با اتصال به اینترنت در دسترس باشد و دانش‌آموزان دوست داشته باشند با استفاده از دستگاه تلفن همراه چت کنند. نگرش والدین به مطالعه و آمادگی دانش‌آموزان برای کلاس اول باعث افزایش اعتماد به نفس می‌شود. در داخل کشور نیز چگینی، مقدم زاده، چگینی (۱۳۹٤) تحقیقی تحت عنوان «نقش نگرش والدین به خواندن در پیش‌بینی نگرش خواندن، خودپنداره و ادراک خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی» انجام دادند. بدین منظور روش تحقیق همبستگی مورد استفاده قرار گرفت که برای ٤٤٦ نفر از دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم شهرستان اراک، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل مسیر تحلیل گردید. نتایج نشان داد که اثر مستقیم نگرش والدین به خواندن در پیشرفت خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان و همچنین بر نگرش و خودپنداره دانش‌آموزان مثبت و معنادار است. اثر مستقیم نگرش خواندن دانش‌آموز در عملکردش در درک مطلب مثبت و معناداراست. اثر مستقیم خودپنداره دانش‌آموز با عملکرد او در درک مطلب مثبت و معنادار است. همچنین بررسی اثر غیرمستقیم نگرش والدین به خواندن با واسطه دو متغیر نگرش و خودپنداره دانش‌آموز به خواندن در عملکرد درک مطلب دانش‌آموز نیز مثبت و معنادار است. در مجموع نتایج مطالعه نشان داد نگرش مثبت والدین به خواندن و ارزش بالایی که به سواد خواندن و نوشتن می‌دهند، پایه و اساسی برای سواد خواندن اولیه فراهم کرده و نقش مهمی در رشد نگرش مثبت کودکان، خودپنداره و مهارت‌های خواندن دارد، که به نوبه خود منجر به پیشرفت تحصیلی بالاتر می‌گردد. شهرکی مقدم (۱۳۹۵) تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه اعتماد به نفس با انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان زاهدان» انجام دادند. جامعه‌ی آماری، دانش‌آموزان دوره دبستان شهرستان زاهدان که جمعاً ۸٦۰ نفر دانش‌آموز اعم از دختر و پسر را شامل می‌شود، می‌باشد. ۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری از بین این دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد که ۳۰ نفر پسر و ۲۰ نفر دختر می‌باشد. هدف از تحقیق حاضر آزمودن این فرضیه است که در بین اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. همچنین بین اعتماد به نفس با جنسیت رابطه وجود دارد. پس از اجرای آزمون و تجزیه و تحلیل آماری و برآورد نتایج زیر به دست آمد: ضریب همبستگی در پسران ۹٦/۰ و در دختران ۹۳/۰ مثبت می‌باشد و ضریب همبستگی بسیار بالایی است بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود و اعتماد به نفس با انگیزه تحصیلی رابطه معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی در دختران با پسران تفاوت معنی‌داری ندارد زیرا در هر دو همبستگی خیلی بالاست بنابراین اعتماد به نفس با جنسیت رابطه ندارد. سلاجقه و شریفی رستم آبادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر تقویت اعتماد به نفس در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی» بیان کردند که عدم توجه به نیازهای روحی و روانی دانش‌آموزان، سرزنش‌های مداوم توسط خانواده و مدرسه و همچنین وجود باور مقایسه پنداری بین دانش‌آموزان از مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده اعتماد به نفس در بین دانش‌آموزان خواهد بود. از سوی دیگر، تشویق دانش‌آموزان به هنگام موفقیت، ایجاد ارتباط عاطفی بین کودک و معلم، فراهم کردن محیط مفرح در مدرسه و خانواده و همچنین توجه به خلاقیت‌های فردی از عوامل تقویت‌کننده اعتماد به نفس در دانش‌آموزان خواهد بود. حمیدانی و قاسم پور (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین سواد والدین و یادگیری مبتنی بروب بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان پارسیان استان هرمزگان»، دریافتند که تفاوت معنادار بین نمرات بین پیش آزمون و پس آزمون دانش‌آموزان و والدین وجود داشت؛ بنابراین می‌توان گفت که آموزش مبتنی بر وب توانسته است انگیزش پیشرفت

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

دانش‌آموزان ارتقا دهد و هرچه سواد والدین بیشتر باشد، امکاناتی بیشتر برای برخورداری فضای مجازی دانش‌آموزان مهیا می‌شود و پیشرفت تحصیلی آن‌ها افزایش می‌یابد. چنین دانش‌آموزانی نیز می‌توانند به درجات بالاتری از علم و تحصیل دسترسی یابند.

با توجه به مرور صورت گرفته از پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج از کشور می‌توان به این نتیجه رسید که به طور عمده، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی اعتماد به نفس و سوادآموزی بسیار می‌باشد؛ اما پژوهشی که هر دو متغیر را مدنظر قرار داده باشد کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که اثر سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر شیراز را مورد بررسی قرار دهد؛ از آنجا که تعداد دانش‌آموزان ابتدایی شیراز حدود ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد، لذا انجام چنین تحقیقی برای آموزش و پرورش ضروری و دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. محقق امیدوار است نتایج این تحقیق بتواند کاربردهای مهمی برای معلمان، مسئولان آموزش و پرورش و مدیران مدارس جهت ایجاد جو مناسب و فراهم کردن شرایط برای افزایش یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد؛ لذا پژوهش حاضر در صدد بررسی فرضیه‌های زیر بوده است:

۱- سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

۲- سوادآموزی والدین بر افزایش ابعاد اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع تحقیق آزمایشی به شیوه گروه کنترل و آزمایش بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی والدین بی‌سواد و فرزندان آن‌ها در مقطع ابتدایی ناحیه ٤ شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ بود. به ۵۰ نفر از والدین بی‌سواد در مدرسه دکتر حسابی در ناحیه ٤ شهر شیراز که برای شرکت در جلسات آموزش سوادآموزی اعلام آمادگی کرده بودند، بین فرزندان آن‌ها پرسشنامه اعتماد به نفس توزیع شد. ۳۰ نفر از والدین که فرزندانشان در پرسشنامه اعتماد به نفس نمره کمتری داشتند به عنوان حجم نمونه انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزماش و کنترل (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) گمارده شدند. پس از اجرای پیش آزمون، با هدف اینکه شرایط هر دو گروه مشابه هم باشد تا زمینه بررسی اثر متغیر مستقل فراهم شود، محقق به عنوان آموزش دهنده در کلاس حاضر شد و بعد از ۱۰ جلسه آموزش سوادآموزی والدین، پرسشنامه اعتماد به نفس بر روی فرزندانشان اجرا شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه اعتماد به نفس تفردی (۲۰۱۲) بود.

پرسشنامه اعتماد به نفس: این شاخص توسط تفردی در سال ۲۰۱۲ برای سنجش اعتماد به نفس افراد ساخته شده است. محتوای این پرسشنامه بر اساس مصاحبه‌های بالینی با افراد مختلف تعیین گردیده است و دو بعد خود شایستگی (۲، ٤، ۸، ۱۰، ١٤ و ١٦) و خود ارزشمندی (۱، ۳، ۵، ٦، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۵) را در ١٦ گویه پنج گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) بدین صورت کاملاً موافقم:۵، موافقم، ٤: نظری ندارم:۳، مخالفم:۲ و کاملاً مخالفم:۱ امتیاز می‌سنجد. برخی از سؤالات به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود که سؤالات معکوس عبارت‌اند از ۱، ٦، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵ و ١٦. روایی پرسشنامه در پژوهش تفردی (۲۰۱۲) به شیوه روایی محتوایی بررسی و تأیید شده است. تفردی (۲۰۱۲) در بین نمونه ١٤٥ نفری از کودکان ۸ تا ۱۳ ساله، پایایی پرسشنامه را محاسبه کرد که مورد تأیید قرار گرفت. پس از آن بر روی نمونه‌های دیگری با گروه‌های سنی ۱۷ تا ۲۳ سال و همچنین ۲۰ تا ٦۰ سال نیز مورد آزمایش قرار داد، تفردی (۲۰۱۲) پایایی پرسشنامه را در گروه‌های سنی مختلف، بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ به

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

دست آورده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۷ در پژوهش حاضر بر روی نمونه ۱۲۰ نفری انجام شد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمد و برای زیر مقیاس‌های آن به شرح زیر خود شایستگی ۰/۷٤ و خود ارزشمندی ۰/۷۸ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار و برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. همچنین نرمال بودن داده‌های پژوهش با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تأیید شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های نمونه برای متغیرهای پژوهش در پیش آزمون و پس آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های آماری اعتماد به نفس و مؤلفه‌های آن در دو گروه پیش آزمون و پس آزمون

		آزمایش			کنترل		
متغیرها	آزمون	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
ارزشمندی	پیش آزمون	٦/٦٥	۳/۲۹	۲۰	۱۰/٦٥	٤/۷۲	۲۰
	پس آزمون	۱۵/٤٥	۱/٦٦	۲۰	۱۱/٦٥	٤/٥۲	۲۰
شایستگی	پیش آزمون	۲/۱٥	۱/۲۲	۲۰	۲/۸٥	۱/۱۳	۲۰
	پس آزمون	۳/۸٥	۰/٤۸	۲۰	۳/۱۰	۱/۲۰	۲۰
اعتماد به نفس (نمره کل)	پیش آزمون	۹/۸٥	٤/٤۹	۲۰	۱۲/۰۱	٦/۷۱	۲۰
	پس آزمون	۲۲/۰۱	۲/٤٤	۲۰	۱٤/۱٥	٦/٤۹	۲۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون (بعد از آموزش سوادآموزی والدین) در مقایسه با پیش آزمون به‌طور شهودی اعتماد به نفس و مؤلفه‌های آن بیشتر شده است، اما این تفاوت‌ها در گروه کنترل چشمگیر نیست.

فرضیه اول: سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج به صورت زیر می‌باشد:

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

جدول ۲- تحلیل کوواریانس اثربخشی سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌آزادی	میانگین‌مجذورات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
اثر پیش آزمون	٥٤١/٩٤	١	٥٤١/٩٤	٨٩/٦٧	٠/٠٠٠١	٠/٧١
اثر متغیر مستقل	٦١/٠٢	١	٦١/٠٢	١٠/٠٩	٠/٠٠٣	٠/٢٢
خطا	٢١٧/٥٦	٣٦	٦/٠٤			
کل‌تصحیح شده	٦٠٦١	٤٠				

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد آماره آزمون اثر متغیر مستقل اعتماد به نفس در مرحله پس آزمون ($p<٠/٠١$ و $F=١٠/٠٩$) معنادار شده است؛ بنابراین بین متوسط اعتماد به نفس در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس آزمون پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد و آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. میزان این تأثیر بنا به ستون مجذور ضریب اتا برابر با ۲۲ درصد می‌باشد.

فرضیه دوم: سوادآموزی والدین بر افزایش ابعاد اعتماد به نفس دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است.

جدول ۳- تحلیل کوواریانس اثربخشی سوادآموزی والدین بر افزایش مؤلفه‌های اعتماد به نفس

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌آزادی	میانگین‌مجذورات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
ارزشمندی	اثر پیش آزمون	٢٢٧/٩١	١	٢٢٧/٩١	١٩٦/٩٨	٠/٠٠٠١	٠/٨٤
	اثر متغیر مستقل	٢٣٠/٠٧	١	٢٣٠/٠٧	١٩٨/٨٥	٠/٠٠٠١	٠/٨٥
	خطا	٤١/٦٥	٣٦	١/١٥			
	کل‌تصحیح شده	٧٩٣٠	٤٠				
شایستگی	اثرپیش آزمون	١٣/٣٤	١	١٣/٣٤	٥٧/٩٥	٠/٠٠٠١	٠/٦٢
	اثر متغیر مستقل	٢١/١٠	١	٢١/١٠	٩١/٦٥	٠/٠٠٠١	٠/٧٢
	خطا	٨/٢٩	٣٦	٠/٢٣			
	کل‌تصحیح شده	٥٢١	٤٠				

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد آماره آزمون اثر متغیر مستقل ارزشمندی در مرحله پس آزمون (۰/۰۱ >p و F=۱۹۸/۸۵) معنادار شده است؛ بنابراین بین متوسط ارزشمندی در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس آزمون پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد و آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش ارزشمندی تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. میزان این تأثیر بنا به ستون مجذور ضریب اتا برابر با ۸۵ درصد می‌باشد. همچنین آماره آزمون اثر متغیر مستقل شایستگی در مرحله پس آزمون (p<۰/۰۱ و F=۹۱/٦۵) معنادار شده است؛ بنابراین بین متوسط شایستگی در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس آزمون پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد و آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش شایستگی تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. میزان این تأثیر بنا به ستون مجذور ضریب اتا برابر با ۷۲ درصد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در شهر شیراز انجام شد. در بررسی فرضیه اول پژوهش این نتیجه گرفته شد که آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. نتایج این پژوهش با نتیجه یافته‌های تیرنیری (۲۰۱٤)، ریجبی، سلی و مارتین (۲۰۱٤) همسو می‌باشد. مباحثی از روان‌شناسی که اختصاصاً به اعتماد به نفس می‌پردازد و آن را به عنوان یک متغیر با نفوذ و با اهمیت عنوان می‌نماید، نظریه شخصیتی است که آدلر ارائه نموده است. آدلر اگر چه کاربرد اعتماد به نفس را در درمان و بسط و توضیح نظریه‌اش به کار می‌گیرد، اما به وضوح، اهمیت اعتماد به نفس را دریافت نموده است. یکی از مفاهیم اساسی در دیدگاه آدلر مفهوم «عقده حقارت» است که تلاش در راه موفقیت و برتری و نقطه شروع «شیوه زندگی» است که به چهار گروه تقسیم می‌شود: ۱- مفهوم خود یا خویشتن پنداری، یعنی اعتقاد به این‌که «من هستم». ۲- خودآزمایی یا اعتقاد به این‌که «من چه باید باشم» یا مجبورم چه باشم تا جایی در میان دیگران داشته باشم. ۳- تصویری از جهان، یعنی اعتقادات فرد درباره اطرافیان و محیط پیرامونش. ٤- اعتقادات اخلاقی، یعنی مجموعه از چیزهایی که فرد درست یا نادرست می‌داند. تعارض میان اعتقادات مربوط به جهان پیرامون بر احساس حقارت می‌انجامد که بعضی اوقات آن را احساس عدم کفایت، فقدان شایستگی یا عدم تسلط می‌نامند. ناهماهنگی، میان خویشتن پنداری و اعتقادات اخلاقی نیز موجب احساس حقارت می‌شود (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۹). در دیدگاه آدلر سه عامل ۱- محیط، ۲- حقارت بدنی یا روانی و ۳- محرومیت از محبت و رهاشدگی، تعیین کننده احساس حقارت در افراد است که آثار و تبعات آن کیفیت شیوه زندگی را تحت تأثیر قرار داده و اعتماد به نفس را کاهش می‌دهد (منصوری، ۱۳۹۰). از طرفی گودی، از دهه ۱۹٦۰ میلادی و در قالب نوشته‌های متعددش تلاش کرده آنچه را که به عنوان اهمیت توانایی‌های بالقوه و نتایج سواد برمی‌شمرد، به صورت کلی مطرح کند. دیدگاه‌های وی توسط انسان شناسان همکار که در این زمینه معتبر بودند، خصوصاً در جایی که همه آن‌ها توجه بسیار کمی به مسئله سواد معطوف کردند، دنبال شده‌اند. این پذیرش ضمنی، به باور من، به مسائلی نه تنها به بازنمایی مفهوم سواد ارائه شده توسط این انسان شناسان، بلکه به توصیف عمومی آن‌ها از تغییرات اجتماعی، تفکرات جدید در ارتباط با ایدئولوژی در جوامع مورد توصیف آن‌ها منجر شد؛ بنابراین، به طور کلی برای یک مطالعه انسان‌شناسی مهم است که مفاهیم زیربنایی بازنمایی گودی از سواد روشن شده و کاربردهای آن‌ها مورد بررسی قرار بگیرند (صباغیان، ۱۳۹۰). برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، سعی و تلاش بیشتری جهت حل مشکلات دارند و نسبت به اعضاء خانواده احساس مسئولیت بیشتری دارند و به انتظارات آن‌ها احترام بیشتری می‌گذارند و بهتر می‌تواند نیازهای روانی و اجتماعی آن‌ها را برطرف کنند. این افراد از احساس شایستگی و توانایی بیشتری برای تصمیم‌گیری برخوردارند که می‌تواند منجر به احساس تعلق، انگیزه بالا، همکاری، همدلی و همفکری با اعضاء خانواده شود و این افراد بهتر می‌توانند افکار و احساسات خود را به دیگران انتقال دهند و از پیوند عاطفی و وفاداری قوی‌تری برخوردارند و از روابط خود احساس خشنودی و آرامش بیشتری دارند که در نهایت می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس در فرزندان آن‌ها شود. علاوه بر این، والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، مسئولیت‌های مربوط به نقش اجتماعی خود را می‌پذیرند و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی به شکل مؤثر روبه‌رو شود. این افراد دارای درک و روابط بهتری با دیگران هستند که می‌تواند منجر به فضای مطلوب زندگی و سازگاری با مسائل و مشکلات در آن‌ها شود و به ارزش‌های خود در زندگی متعهدتر هستند و بهتر می‌توانند برای مشکلات راه‌حل‌های پیدا کنند. این افراد هنگام سختی‌ها و مشکلات درمانده نمی‌شوند و به احتمال کمتر دچار اضطراب می‌شوند و جنبه‌های مثبت زندگی و اهداف خلقت جهان و انسان را از نظر دور نمی‌دارند. از این رو، در زندگی دچار یاس و ناامیدی و خودباختگی نمی‌گردند و قادر هستند با فرزندان ارتباط و تعامل برقرار کنند و منجر به احساس آزادی در تصمیم‌گیری در مورد نحوه تفکر کردن در فرزندانشان شوند و در نهایت می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس در فرزندانشان شود. همچنین والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، می‌توانند افکار و احساسات خود را به فرزندانشان انتقال دهند و نیازهای روانی و اجتماعی خود و فرزندانشان را برطرف کنند و فرزندانشان تعاملات و احساس خودمختاری بیشتری برخوردارند. به عبارتی این افراد با حوادث و رویدادهای محیط خود، به طور عقلانی برخورد می‌کنند و با روشن‌بینی و منطق با آن‌ها روبرو می‌شوند و در نهایت در مواجهه با رویدادهای دشوار، استقامت و پشتکار زیادی به خرج می‌دهند که می‌تواند منجر به اعتماد به نفس بیشتری شود. این افراد از توانایی و ظرفیت بیشتری در برابر شرایط استرس‌زا و فشار زندگی برخوردارند و خود را مطابق با تغییرات محیطی وفق می‌دهند و در شرایط و اوضاعی قرار می‌گیرند که فشار کمتری را احساس می‌کنند و به فرزندانشان یاد می‌دهند کمتر احساس ناکامی، تنش و ناراحتی کنند و در نهایت از احساس بلاتکلیفی کمتر برخوردارند. به عبارتی فرزندان این والدین از انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های استرس‌زا برخوردارند که می‌تواند منجر به افزایش پیامدهای موفقیت‌آمیز و وجود چالش‌های مؤثر و در نهایت افزایش اعتماد به عزت نفس شود.

در بررسی فرضیه دوم پژوهش این نتیجه گرفته شد که آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش مؤلفه‌های اعتماد به نفس (ارزشمندی و شایستگی) تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است. نتایج این پژوهش با نتیجه یافته‌های پیورس و همکاران (۲۰۱۵)، توبیس (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. همه افراد جامعه، به یک ارزشیابی ثابت و استوار معمولاً عالی از خودشان، احترام به خود یا اعتماد به نفس و احترام به دیگران تمایل دارند (مظاهری،۱۳۹۰). مزلو نیاز به احترام را دو نوع می‌داند که این دو عبارت‌اند از: احترامی که به دیگران گذاشته می‌شود و احترامی که به خود می‌گذاریم. احترامی که به دیگران گذاشته می‌شود و ظاهراً دشوار است مگر اینکه اطمینان حاصل شود دیگران هم در مورد ما به خوبی می‌اندیشند. مزلو سالم‌ترین و ثابت‌ترین اعتماد به نفس را مبتنی بر احترام استحقاقی

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

از سوی دیگران و نه شهرت ظاهری و تمجید بی‌مورد دانسته است. او معتقد است برای دستیابی به احساس احترام به خود راستین، باید خود را بشناسیم و بتوانیم فضایل و نقاط ضعفمان را به طور عینی تشخیص دهیم. اگر ندانیم چیستیم و کیستیم نمی‌توانیم به خود احترام بگذاریم (مظاهری، ۱۳۹۰). از طرفی در قالب مفاهیم انسان‌شناسی، مدل مستقل سواد شامل فرضیات روشنفکرانه درباره ماهیت تفکر بدوی است که عموماً در این شاخه رد شده‌اند. با اینکه انسان‌شناسان در بافت‌های دیگر به روشن سازی برخی از زیربناهای نظری توصیف مذهب و باور غیر اروپایی کمک کرده‌اند، بازنمایی‌های خود از کاربردها و پیامدهای سواد را تا حد زیادی غیر نظری باقی گذاشته‌اند. این به پیامدهایی مغایر در توصیف کلی و تحلیل‌های تغییر اجتماعی و سیستم‌های باور نا آشنا منجر شده است؛ بنابراین، مدل مستقل سواد انسان شناسانی چون کلامر را به ارائه توصیفاتی سوق داد که با فرضیات آشکار مطالعات آن‌ها و ادعایی که در این زمینه داشتند مغایر بود (ابراهیم زاده، ۱۳۹۰). بسیاری از زبان‌شناسان تأثیرگذار نسل‌های پیشین، مثل بلوم فیلد و نحو شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت فعالیت‌های خود را از چنین نظریه‌پردازانی گرفته‌اند، با این فرض که تفاوت معنادار کمی میان گفتار و نوشتار وجود دارد. این فرض که گفتار و نوشتار کارکردهایی را محقق می‌کنند و ناتوانی در شناسایی ویژگی جداگانه آن‌ها، این امکان را فراهم آورده که یکی به عنوان مدلی برای دیگری به کار گرفته شود. در انگلستان، قوانین دستوری سنتی متون درسی مدارس از زبان نوشتار گرفته شده است که به عنوان استانداردی برای زبان گفتار تعیین شده است (صباغیان، ۱۳۹۰). برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، آزادانه و راحت به تعامل می‌پردازند و در مورد مسائل مختلف نظر می‌دهند. معمولاً در این خانواده‌ها، اعضای خانواده به یکدیگر نزدیک شده و کمتر یکدیگر را به خاطر نظرات مختلف و یا غیر قابل قبول سرزنش می‌کنند، اعضای چنین خانواده‌هایی سعی می‌کنند که ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی را برگزینند که برای رسیدن به آن‌ها تلاش و کوشش کنند که این امر منجر به ایجاد اعتماد و روابط صمیمانه بیشتری بین اعضا خواهد شد. در چنین خانواده‌ای معمولاً فرزندان برای رسیدن به موفقیت‌ها تلاش و کوشش خواهند کرد که این امر می‌تواند منجر به افزایش احساس ارزشمندی و شایستگی در آن‌ها می‌شود. همچنین والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، با رفتارهای اخلاقی مثبت و توأم با احترام با فرزندان خود ارتباط برقرار خواهند کرد. درواقع بین آن‌ها روابط گرم و صمیمانه‌ای به وجود می‌آید و همواره نیازهای فرزندان خود را از راه مطلوب و در حد لزوم تأمین می‌کنند و فرزندان با غرور و اعتماد به نفس پا به عرصه زندگی اجتماعی می‌گذارند و در حل مشکلات به خود ترس و بیم راه نمی‌دهند که می‌تواند منجر به افزایش احساس ارزشمندی و شایستگی در آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، والدینی که در جلسات آموزش سوادآموزی شرکت کردند، می‌تواند عشق، دوستی و محبتشان را نسبت به فرزندانشان ابراز کنند و به خوبی از عهده‌ی حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر در خانواده برآیند. این والدین می‌توانند احساسات فرزندان خود را بپذیرند و برای یک زندگی غنی، کامل و معنادار تلاش کنند و به عملی که منجر به غنی‌سازی زندگی می‌شود، تعهد بیشتری دارند که می‌تواند منجر به کاهش توقعات غیرواقع‌گرایانه و تفکرات غیرمنطقی و فراز و نشیب‌های زندگی شود همچنین این افراد می‌توانند با کنترل مؤثر دردها، رنج‌ها و تنش‌هایی که زندگی لاجرم برای آن‌ها ایجاد کرده، یک زندگی پربار و معنادار برای خود ایجاد می‌کند که در نهایت می‌تواند منجر به افزایش احساس ارزشمندی و شایستگی در فرزندانشان شود. به عبارتی این والدین دارای نوعی الزام و تعهد درونی در برابر اعضاء خانواده هستند که می‌تواند

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

منجر به تعهد به زندگی شود و اگر این افراد در زندگی دچار اشتباهی شوند، به جای تکیه بر اسنادهای بیرونی، در صدد اصلاح آن بر می‌آیند که می‌تواند منجر به پذیرفتن هیجانات و افکار فرزندانشان شود و این امکان را به فرزندانشان می‌دهند تا شکوفا شوند و نسبت به ارزش‌های خود در زندگی متعهد شوند و راهی برای حل کردن مشکلات و کشمکش‌های که خود به تنهایی قادر به حل مشکلاتشان نیستند، پیدا می‌کند و در نهایت منجر به افزایش احساس ارزشمندی و شایستگی می‌شود.

از دستاوردهای اصلی تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که آموزش سوادآموزی به والدین بر اعتماد به نفس و ابعاد آن در دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تأثیر داشته است؛ بنابراین دانش‌آموزانی که به والدین آنها سواد آموزی، آموزش داده شد، از لحاظ اعتماد به نفس و ابعاد آن وضع بهتری نسبت به سایر دانش‌آموزان داشتند. با مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین همخوانی دارد؛ زیرا در کلیه پژوهش‌های مطرح شده، آموزش سواد آموزی نقشی تأثیرگذار بر اعتماد به نفس دانش‌آموزان ایفا می‌کنند که این امر در پژوهش حاضر نیز صادق است.

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش این است که ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده است و پرسشنامه خود دارای محدودیت ذاتی است و اینکه تأثیرگذاری عواملی همچون شرایط زمانی و مکانی آزمون، شرایط روحی و فیزیکی دانش‌آموزان و .... دور از انتظار نیست، که به دلایل مختلف امکان کنترل همه‌ی این متغیرها وجود نداشت. همچنین این تحقیق روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در شهر شیراز انجام شد، لذا در تعمیم نتایج به سایر شهرها باید احتیاط کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش اعتماد به نفس تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است، بر مبنای این یافته می‌توان پیشنهاد کرد برای والدین بی‌سواد، کلاس‌های آموزشی چون سوادآموزی برگزار شود تا از این طریق میزان اعتماد به نفس دانش‌آموزان افزایش یابد. یافته دیگر این پژوهش حاکی از آن بود که آموزش سوادآموزی والدین بر افزایش مؤلفه‌های اعتماد به نفس (ارزشمندی و شایستگی) تأثیر مثبت معنادار داشته و موجب افزایش آن شده است، بر مبنای این یافته می‌توان پیشنهاد کرد که از نتیجه پژوهش حاضر در مراکز مشاوره خانواده و مراکز مشاوره مدارس برای آگاهی خانواده‌ها استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش سوادآموزی والدین، در برنامه درسی دوره‌های تربیت معلم، برای آشنایی هرچه بیشتر معلمان گنجانده شود. با توجه به ارتباط بین متغیرهای تحقیق، سایر محققین، برنامه ریزان درسی و مؤسسات آموزشی بایستی این مهم را مدنظر قرار دهند تا عواملی را که باعث تقویت این ارتباط می‌شود را شناسایی و در برنامه‌ریزی آموزشی قرار دهند. پیشنهاد می‌شود که با حمایت مسئولان آموزش و پرورش و مدیران و معلمان مدارس، فضا و وقت مناسب برای کلاس‌های سوادآموزی والدین ایجاد شود.

به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود که پژوهش‌های مشابه با این پژوهش را روی دانش‌آموزان در سایر مقاطع تحصیلی اجرا کنند. علاوه بر سوادآموزی والدین، ارتباط اعتماد به نفس با متغیرهایی از قبیل آموزش مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و ... مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۰) ***آموزش بزرگسالان***، رشته علوم تربیتی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

افشاری، ملوس. (۱۳۹۵). بررسی علل افت تحصیلی و تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. **سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی**، پاتومی-گرجستان.

بحرانی، بهبود. (۱۳۸۹). ***اثربخشی آموزش اعتماد به نفس در مقابل استرس بر سازگاری اجتماعی دانش جویان***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۱). ***روش‌های افزایش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان***. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

بیگدلو، محمد. و میرزایی، صفی اله. (۱۳۹۵). جایگاه خودباوری از نظر روان‌شناسان و چگونگی تقویت آن در دانش‌آموزان. ***مجله روان‌شناسی رویکردهای نوین در روان‌شناسی***، ۱(۱)، ۹-۱.

چگینی، مریم؛ مقدم زاده، علی و چگینی، نسرین. (۱۳۹٤). نقش نگرش والدین به خواندن در پیش‌بینی نگرش خواندن، خودپنداره و ادراک خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی، ***اندازه‌گیری تربیتی***، ٦(۱۹)، ۲۵ – ۵۲.

حمزه لو، زهره. و غیبی، اکرم. (۱۳۹٤). اهمیت سواد والدین در فرایند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. **دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی**، تهران.

حمیدانی، طاهره. و قاسم پور، رویا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی بین سواد والدین و یادگیری مبتنی بروب بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان پارسیان استان هرمزگان. **اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت**، میناب.

سلاجقه، آزیتا. و شریفی رستم‌آبادی، وجیهه. (۱۳۹۹). بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر تقویت اعتماد به نفس در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. **اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت**، میناب.

شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غریب. (۱۳۸۹). ***نظریه‌های مشاوره و روان درمانی***، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شهرکی مقدم، مهتاب (۱۳۹۵) بررسی رابطه اعتماد به نفس با انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان زاهدان،***مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی***، ۲(٤)، ۳۲-۳۷.

صادقی ارمی، فاطمه. (۱٤۰۰). رابطه اعتماد به نفس با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. **ششمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش**، محمودآباد.

صباغیان، زهرا. (۱۳۹۰). ***درس‌های سوادآموزی***، انتشارات مدرسه.

مظاهری، محمد. (۱۳۹۰). ***تأثیر آموزش گروهی عزت نفس به شیوه رفتاری و رفتاری-شناختی بر دانشجویان خوابگاه دانشگاه اصفهان***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنمایی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

منصوری، سپیده سادات. (۱۳۹۰). ***نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان برای والدگری و مشکلات هیجانی نوجوان***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد مرودشت.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

نینوایی، ژیلا. (۱۳۹۰). ***اعتماد به نفس راه خوشبختی***، تهران، انتشارات ندای فرهنگ، چاپ دوم،ص ۱۱،۱۳،۲۱۸.

Furnham. A, Cheng. H.(2002)."Personality Parental Behavior, Self-Esteem and Happiness".***Soc psychiatry Psychiatry Epidemiol***,35(10): 463-470.

Geske, A., Kampmane, K., & Ozola, A. (2021). THE IMPACT OF FAMILY AND INDIVIDUAL FACTORS ON 4TH GRADE STUDENTS'SELF-CONFIDENCE IN READING LITERACY: RESULTS FROM PIRLS 2016. **In *SOCIETY. INTEGRATION. EDUCATION. Proceedings of the International Scientific Conference*** (Vol. 2, pp. 203-213).

Howie, S.Veter, E.Stedan, S.V (2015). ***The effect of multiligual policies on performance and progression in reading literacy in south African schools***. The Secend IEA International Research Conference: Washington University.

Krauss, S., Orth, U., & Robins, R. W. (2020). Family environment and self-esteem development: A longitudinal study from age 10 to 16. ***Journal of personality and social psychology***, *119*(2), 457.

Melero, Á., Villalón, R., & Izquierdo-Magaldi, B. (2020). Attitudes toward reading, reading self-confidence, family involvement and reading comprehension in the second grade.

Petscher,Y (2009).A meta-analysis of relationship between student attitudes toward reading and achievement in reading. ***Journal of Research in Reading*** . Vol3,Issue.2,pp.1-9.

Powers PS, Cruse CW, Daniels S, Stevens B. (2015) The effect of parents' literacy on their children's educational motivation and self esteem, ***Psychology and Behavioral Sciences,*** Vol. 4, No. 3, 2015, pp. 107-115.

Rigby. K, Slee. P. T, Martin. G. (2014). The relationship between literacy with self-esteem and social relationships. ***Journal of Personality and SocialPsychology***, *44*, 127-139.

Salabas, M. E. (2008). Relationship between 8th grade secondary school students' reading attitudes and reading comprehension skills***. Journal of the Faculty of Education*** *Vol. 9, Issue. 16 (Fall 2008),* 141-155.

Swalander,L.& Taube,K.(2016). Influences of family based preprequisites,reading attitude, and self-regulation on reading ability. ***Contemporary Educational Psychology*** 32.pp.206-230.Available online at www.sciencedirect.com.

Tierney F. (2014) The Relationship between Parental Literacy and Parent-Child Relationship with Self-Esteem, ***Procedia - Social and Behavioral Sciences***, Volume 114, 21 February 2014, Pages 203–206.

Tobias, S. (2015). Effect of parents' literacy on self-efficacy, social support, self-esteem in student .***Personality and Individual Difference***, 49,885-890.

Wang, L. (Ed.). (2005). *Support vector machines: theory and applications* (Vol. 177). Springer Science & Business Media.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

The Effect of Parents' Literacy on Increasing the Self-Confidence of Primary School Students in Shiraz

Alieh Tourajipour[1], Ebadollah Ahmadi [2]

Abstract
The aim of this study was the effect of parents' literacy on increasing the self-confidence of elementary school students in Shiraz. The statistical population of this study includes illiterate parents and their children in the primary school of Shiraz district 4 in 1398 and 50 illiterate parents in Dr. Hesabi's school in Shiraz district 4 who have announced their readiness to participate in literacy training sessions. Individual self-esteem questionnaire (2012) was distributed among their children. Thirty parents whose children had lower scores in the self-confidence questionnaire were selected as the sample size and randomly assigned to the experimental and control groups (15 in the experimental group and 15 in the control group) and after parent literacy training. , A self-confidence questionnaire was administered to their children and the data were analyzed using the statistical method of analysis of covariance. The results showed that parents' literacy training had a significant positive effect on increasing self-confidence and increased it. Parental literacy education has a significant positive effect on increasing the components of self-confidence (value and competence) and has increased it.
Keywords: literacy, self-confidence, students, elementary school, Shiraz.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-21]

[1] Master of Educational Management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.
[2] Department of Educational Management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran (corresponding author).